

اعتراض

رضیه برجیان

معترض بودم و فریاد می‌زدم که چرا هیچ چیز درست نیست؟

آرام نگاهم کرد. وقتی آرامش گرفتم، پرسید: هیچ چی یعنی چه، مثلاً؟

ساکت شدم. بعد از قدری تأمل نگاهش کردم؛ نگاهی سراسر پرسش.

ادامه داد از آنجه که هستی ناراضی‌ای؟

با سر تأیید کردم. پرسید: چه می‌خواهی باشی و در کجا! اصلاً می‌دانی برای چه هستی و چه چیز راضیات می‌کند؟

گفتم: نه نمی‌دانم.

گفت: اعتراض تو به اطرافت نیست بلکه به چگونگی رابطه خودت با آنهاست. ما عادت کرده‌ایم که به جای زندگی کردن فقط بدویم و تلاش کنیم و بعد دوباره استراحت کنیم تا برای بیش‌تر دودیدن توان داشته باشیم.

پرسیدم: یعنی ما الان داریم...؟ و جواب شنیدم: مردگی؛ زندگی بیش‌تر زمان تفاوت‌چندانی با یک آدم آهنی پیشرفته ندارد.

و امروز وقتی که روایتی از پیامبر را دیدم که می‌فرمایند: عده‌ای از مؤمنان در بهشت آن‌قدر مشغول مناجات با خداوند می‌شوند و از نعمت‌های بهشتی غافل می‌گردند که نعمت‌های بهشتی به خدا عرض می‌کنند که بنده‌ات اصلاً به ما توجهی ندارد و جواب می‌شنوند که شما را برای او خلق کرده‌ام نه او را برای شما، یاد صحبت‌های دوستم افتادم درباره زندگی و اعتراضات همیشگی خودم به همه چیز و همه کس، و سکوت و صبر او که مسأله، اینها که می‌گویی نیست چرا که کسانی با مشکلاتی بیش از این راضیند و شاکر.

تفاوت من با مؤمنانی که او از آنها می‌گوید فقط در یک نکته است آنها به نعمت‌های بهشتی که پایدارند اعتنایی ندارند و من دو دستی به نعمت‌هایی چسبیده‌ام که فانی‌اند و ناپایدار. یقین دارم که از دست می‌روند و هم‌زمان معترض به این از دست‌رفتن‌ها.

مشوق اصلی شما چه کسی بود؟

خانواده‌ام

برای آینده خودتان چه برنامه‌ای دارید؟

بعد از کنکور کارشناسی ارشد کارهای تحقیقاتی را ادامه می‌دهم چون هم خیلی علاقه دارم و هم از نظر من واجب است که وارد این کار بشوم نه تنها من بلکه خیلی از دانشجویان باید وارد این عرصه بشوند.

مهم‌ترین تفاوت شما با دیگر دانشجویان که باعث شد شما الان این‌جا باشید و آنها نباشند؟

احساس تعصب روی مشکلاتی که در جامعه است.

آیا همه می‌توانند این مسیر را طی کنند؟

همه می‌توانند برونند چون تحقیقات در یک زمینه خاص نیست یک کشاورز اگر هدفش این باشد که در کار خودش محصول را بهتر بکند یا یک نانوا تصمیم بگیرد که فردا صبح من نانم را بهتر بپزم اگر همه فکرشان روی بهبود اوضاع جامعه باشد مطمئناً اوضاع این‌گونه نخواهد ماند و همه چیز روز به روز بهتر خواهد شد.

تا حالا چه کارهایی در زمینه نانو تکنولوژی داشته‌اید؟

تقویت مصالح ساختمانی با نانو ذرات آهن، ساخت نانو الیاف، ساخت دستگاه تولید نانو الیاف که الان تقریباً تمام شده است، الیاف زیست سازگار که در پزشکی کاربرد دارند، سطوح آب‌گریز با نانو ذرات آهن، البته این کارها اغلب گروهی بوده!

توصیه شما به کسانی که به موفقیت می‌اندیشند؟

مطالعات خیلی گسترده داشته باشند و سعی کنند که یک هدف درست را دنبال کنند.

فرق تکنولوژی با علم؟

از نظر من تکنولوژی همان علم است اگر به آن درست نگاه شود

نوآوری؟

با همان امکانات موجود کاری بکنیم که نیازها برطرف شود. ●

الان ساختمان‌های ما را یک کارگر می‌سازد نه یک مهندس. این‌جا بود که فهمیدم این که من فقط درس بخوانم و دکترا بگیرم و مقالاتم روی هم انبار شود هیچ ارزشی ندارد وقتی هیچ اثر عینی روی جامعه نداشته باشد، و به همین دلیل دنبال مقاوم کردن مصالح رفتم.

